

از افغانستان خارج گردیده بگذارند ملت ما بدون فشار
خارجی سرنوشت خودرا خود تعیین کند.

کلید حل معضله افغانستان و قوم‌سانده توقف جنگ
و خونریزی در این کشور در دست روسهاست

اگر روسها بخواهند از تحمیل رژیم مزدور منصرف
گردیده، قوای شان را از افغانستان بیرون بکشند، هیچ
چیزی و هیچ کسی مانع آنان نخواهد شد.

نمیدانیم چه اشکالی بر سر راه روسها وجود دارد که
انسحاب قوای شان را از افغانستان دشوار می‌سازد. آیا
نمی‌شود قوای هسته ای روس مسانند شش غند قبای
خارج گردد؟ که بدون عقد قرارداد و اعلان آتش بس صورت
گرفت. و روسها از احدهی در این رابطه نخواستند تادر واژه
های افغانستان را بر روى قطعات در حال خروج شان باز
نموده، امنیت راه ها را تأمین کند و به آتش بس تن دهد،
اگر چنانچه روسها ادعا می‌کنند تشبیثات مرئی و نیز
می‌ثی غرب در منطقه باعث تحریک روسها گردیده واورا به
ارسال قوای عسکری اش به افغانستان کشانده است، که

منتج باین فاجعه بزرگ و خونین شد، باید بر عقل زمامداران کریمین اشک ریخت که بجای مقابله معقول با تشبات غرب به تجاوزی علیه کشور مامبادرت ورزید، که همه دنیا آن را محکوم نموده.

لکه ننگی بردامن روس گردید. جنایتیکه تاریخ فراموش نخواهد کرد واحدى در دنیا آزرا نخواهد بخشید. مابه روس میگوییم: مگر غرب ترا از دامت محکم گرفته و نمیگذارد از افغانستان خارج شوی؟! مگر غرب در برابر قطعات عسکری تودر افغانستان موانع خلق کرده و نمیگذارد که قوای روسی از افغانستان خارج شود؟!

عجیتر اینکه داکتر نجیب سلت مارا مخاطب قرارداده، میگوید: بیانیسید آتش جنگ را خاموش کنیم، گذشته را فراموش نمائیم، جنگ یعنی سوختن در آتش، جنگ یعنی دوزخ، دوزخ جای گناهگاران است، خداوند بر جنگ لعنت میگوید، ماصلح و آشتی را پیشنهاد میکنیم، کارگر فکر کن و بامن سؤال من جواب بگو؟ که جنگ برای توجه آورده است؟ پدر بگو! مادر بگو! اطفال بگوئید! کوهها و دره ها بگوئید! آیا شما به جنگ ضرورت دارید؟ مسا که

صلح میخواهیم .

پس از هشت سال و هشت ماه ، امروز میگویند صلح میخواهم ، از ملت صلح میخواهند ، به ملت پیشنهاد میکنند که جنگ را خاموش کنید و گذشته ها را فراموش نمایید ، من به جنرال تعجب میگویم همه اینها بر تعاظر گران جنگ افروز لعنت میفرستند ، همه صلح میخواهند ، همه منتظراند ، امن و امان به کشورشان برگردد . ولی برای اعاده صلح و سلم چه چاره جز تداوم مقاومت در برابر نیروهای متجاوز و جنگجو وجود دارد ؟ ، از تو میپرسم ، به من بگو !

کارگر ، دهقان ، کسبه کار ، تجار ، متشبث خصوصی و سائر اشاره دارند در خاموش ساختن این جنگ تعییلی که تعاظر قوای روس آتش آنرا افروخته است چه چاره جز مقاومت مسلحه دارند ؟ مگر یتیمی که پدرش را روسها شهید ساخته اند ، یوها یکه شوهرش قربانی تعاظر روسها شده است ، پدر پیرسال و مادر دامدیده ایسکه فرزندش در جنگ پیشادت وسیله است ، کارگر و بزگر مظلوم میکه خساله محقر اش در نتیجه بعباریهای درجشیانه فرانداخته های سلسل توب

وستانگ و راکتهای زمین بزمیں قوای روس بخاک یکسان
 شده است و همه کشورش به ویرانه خونین و هولناک تبدیل
 گردیده است اینها و همه کسانیکه تومکارالله مخاطب قرار
 داده ، به صلح و آتش بس دعوت میکنی ، بمن بگو ! جز
 اینکه آه و فریاد بکشند ، به نیروهای سفاک و جانی دشمن
 و مزدوران فرمایه اش ننگ و نفرین بفرستندو با آنجه در
 اختیار دارند بر فرق دشمن بگویند ، چه کاری دیگری را
 نمیتوانند انجام دهند ؟ تا این جنگ تحمیلی خاموش گردیده
 و روسها را از ادامه این همه کشتارها و ویرانگریها منصرف
 بسازد ،

هرابه روس نمیگوئی که از کشور مخارج شوندواز
 خونریزیها دست بردارند ؟ چرا همیت الفانی و عاطفة انسانی از
 از مشاهده این همه صحنه های دردناک و غم انگیز به
 حرکت نمیاید ؟

در حالیکه مینگری قوای روس با مادر وطنت چه
 ملوکی را میدارد ؟ با عزت ، ابرو و ناموس هموطنانت چه
 معامله بی انجام میدهدند ؟

می بینی که دستهای شار تعا ار لج بخون هم میهگان

بیدفاع است سرخ است . هر روز دها و صراها طفل، زن و مرد به شهادت میرسند، قریه ها ویران میگردد، مزارع و باغها پاتش کشیدم میشود . امانو هموطنان افغانست را که برای آزادی کشور شان از سلط اجانب میجنگند، مجرم ، باغی و جنگجو میشماری !!!

ولی بالای تانکهای روسی در حالیکه چاینهایش بخون شهدآ سرخ است ، اکلیل گل میگذاری، به عساکر روسی در بدل کشثارهای بیرحمانه ایکه در افغانستان مر تکب شده اند، مداد قهرمانی میدهی و از آنان سپاسگذاری میکنی !!! سگرتانکهای روسی بجای مرگ و ویرانی برای ملت ماجه حاصل دیگری تحويل کرده اندکه بادسته های گل رخصتش کرد ؟ ! مگر قوای روسی هکت نساتو را در درگیری میان دو ابر قدرت بشکست داده اندکه مستحق لقب قهرمانی و مداد شجاعت شمرده شوند ؟

در طرف دیگری، جنرال نجیب به صلح دعوت میشاید، مبلغیکه او به دستور روسها پیشنهاد میکند ، چنانست که:

اول - جنگ علیه قوای متجاوز روسی متوقف شود .

۲ - زیرسايه حکومت خلق و هر چم برخی از مخالفین رژیم

با استهای در دولت اقیانوس گردیده، در حکومت
سهیم شوند.

زیرا سایه حکومت حزب خلق و هر چم برخی از مخالفین
نظام پادادن پستهای در دولت اقیانوس شوند و در حکومت
سهیم شوند.

۳ - قوای روسی‌ها آنگاه در کشور ما باقی باشد که دوام و بقای
چنین حکومتی تضمین گردیده، مردم سلاحدان را
بر زمین بگذارند و احتمال قیام دوباره برای همیش
منتظر شود.

۴ - در پایان امر قوای روسی در فرصت مناسبی که خود
تعیین خواهند کرد با اطمینان خاطر از افغانستان
خارج شود.

قوای روسی‌ها از اینکه از ادامه حکومت دلخواه شان
در افغانستان مطمئن شدند در فرصت مناسبی که خود بعد از
تعیین میکشند، افغانستان را ترک می‌گویند.
شرط عمده صلح نجیب که پدستور روسها پیشنهاد
میکند، چهار است.

از جمله نجیب میپرسیم، بمن بسکو: صلح و آتش

بس توغیر از این چه معنی دیگری میتواند داشته باشد که ملت آزاد یخواه بادر برابر آقای روسی تووتقنگدارانش سر غلامی خم نموده، به اسارت تن دهد و سلاح را بزر مین بگذارد و سنگرهایش را که بخون «ا، ا» میلیون شهید سرخ است برای روسها تخلیه کند.

اساساً باید اعلان آتش بس از طرف روسها صورت بگیرد، نه نجیب بیچاره که اختیارات حکومتش همه در دست مستشاران روسی است آتش بس واوریند در برابر قوای روسی صرف در صورتی قابل طرح است که قوای روسی کشور ماراترک بگوید و به سر زمین خود عودت کند.

آتش بس در اثنای حضور نظامی روس در افغانستان بمعنای صحه گذاشتن به اشغال این کشور است. به مفهوم سازش ننگین است و معنی تسلیم شدن به دشمن است. چنرال نجیب از باز کردن دروازه های زندان در برابر کسانی که اظهار نداده اند کنند و به حکومت وی تعهد خدمت بسپارند، صحبت کرده است. در حالیکه امروز همه کشور ما به زندان و حشتگای در آمده است، هر قشله عسکری

زندان است ، هر قریه منطقه محکوم زندان است ، هر دفتری زندان است ، هر شهری زندان است ، همه در زندان اند .
تا روس در افغانستان است . همه کشور ما زندان است .

تاز مانیکه قوای روس از کشور ما خارج نشده است آفتاب آزادی طلوع نخواهد کرد وا ز لذت آزادی برخوردار نخواهیم شد .

بهتر امت حکومت دست نشانده روسها قبل از همه در واژه های قطعات عسکری اردوی به اصطلاح افغانی را باز کنند تا کسانی که ذریعه قوای سه اجم روسی در اثنای محاصره قرای مناطق آزاد است گیر گردیده و با جبر و اکراه به پارکهای نظامی فرمتاده شده اند وا ز آنجا به جبهات جنگ سوق می شوند ، فرصت بیاپند و به عزیزان شان پسر گردند . آنها نمی خواهند به جنگ پس از ملت خمود پردازند . نمی خواهند خون برادران هموطن شان را برایزند از لعنت جنگ به نفع اجانب و تحت قیادت اجانب نفرت دارند .

ماین های ضد پرسونل اطراف پوسته های عسکری

را که غرض جلوگیری از فرار عساکر افعانی فرش کرده اید
خشنی کنید و عساکر زندانی مذکور را آزاد بگذارید تا دیگر
شود که این افراد مظلوم و مجبور که چون اسیری محاکومی
به جنگ اجباری سوق میشود ، تفکش را بکدام طرف نشانه
میروند و در پهلوی چه کسی قرار میگیرد ، آیا فرار روز افزون
عساکر با شهامت افعانی از بارکهای ، قرارگاهها و پوسته های
تحت کنترول قوای روسی با همه تدابیر شدید امنیتی که
به نظر جلوگیری از فرار آنان اتخاذ گردیده است ، دال
بر آن نیست که بارکهای عسکری زندان اند ، قرارگاهها و
پوسته های زندان است ، همه جاز زندان است .

مخصوصاً شهرهای محاکوم ما که کمر بند های متعددی
از پوسته های امنیتی در اطراف آن احداث شده است از
رفت و آمد ها جلوگیری میشود ، در داخل شهر در هر چند
قدیمی مردم تلاشی میشوند ، تحت عنوان تفتیش ، پاکسازی
ورفع شکوک و شباهات پس از هر چند روزی عساکر روسی
واذنا بش به خانه های مردم در آمده به آبرو و عزت مردم
هتک حرمت میگند .

در همینجا اختناق است ، همه در خوف اند هر لحظه بی

را بایپیم و ترسن سپری میکنند، که مبادا بچنگال خارندوی نیفتند، مورد خشم خاد قرار نگیرند، همسایه اش سازمانی نباشد و بلای برسر او نازل نکند؛ خانه اش تقپیش نشود، بخدمت عسکری سوق نشود، بعنوان مدافعین انقلاب، به جنگ نفرت انگیز، علیه ملت خود وادار نگردد.

جنرال نجیب بمن بگو! حزب دیموکراتیک خلق در جریانات افغانستان چه نقشی را بعهده دارد، چه کاری را بدون دستور آقای روسی اش میتواند انجام دهد؟ چه صلاحیتی برایش باقی مانده است که به صلح، آشتی ملی و آتش بس دعوت میکند؟ تو را به قبر لپینن و به مربرک استادت قسم، که آیا در آئینه انجام ترهکی، امین واستادت ببرک، آینده ات را مشابه به آنان و خیم و تاریک نمی یابی؟

بمن بگو! آیا در مالور اخراج شش غند رویی (که در مقدمش برگ های گل نثار کردی) از تو پرسیده اند؟ آیا احدي از اعضای کابینه ات را در جریان گذاشته اند؟ مکسر برای اولین بار از بیانیه کورباچوف در ولادی واستک ازین تصمیم روسها اطلاع

نا بهنگام بگوشت نرسید؟ راستش را بگو! برایت تکان دهنده
 نبود؟ مگر سفر اخیرت به مسکو که متعاقب سفرسکرتر
 وزارت خارجه پاکستان صورت گرفت، و با عجله عجیب
 و بی سابقه ی پون مامور عادی سفارت شوروی بمسکو
 احضار شدی به نحوی که امروز احکام شرفیابی
 بحضور گورنیاچوف صادر شد، شب در رادیو کابل اعلام
 گردید و فردا با همه اعضای مهم کایenne بشمول صدر اعظم،
 وزیر دفاع، وزیر خارجه، وزیر داخله و سائر وزراء بسوی
 مسکو بحرکت میفتی و تا آخرین لحظه بی شرفیابی اطلاعی
 نداری که موضوع بحث چیست؟ و چرا بشکل فوق العاده
 احضار شده‌ای، راستش را بگو! آیا تا آنجا در گوشی و
 کفار دل هر یک تان همه اعضای وفد این خدشه و وسوسه
 وجود نداشت، که میادا به انجام سلف تان روپر نشوید،
 مخصوصاً که مشاهده کردید در میدان هموای مسکو
 افرادی بسویه وزیر خارجه باستقبال تمان آمدند، رئیس
 جمهور، نشیش حزب کمونیست خلق، حزب دیموکراتیک
 خلق افغانستان، اعضای مهم کایenne یک کشور دوست
 بمسکو سفر میکند ولی باستقبالش کسی به سویه وزیر خارجه

میاید ! ولی زمانیکه وزیر خارجه روس با افغانستان
 میاید ، نجیب با اعضای مهم کابینه آش باستقبال میرود .
 نا نجیب مهاجرین افغانی را مخاطب قرارداده ،
 از آنان دعوت میکند که به کشور شان برگردند ؛ مگرچه
 تغییری رخ داده است که مسلسله هجرتها و آوارگیها پایان
 بیاهد و مهاجرین با اطمینان و آبرومندی به کشور شان
 برگردند . آیا قوای روسی از کشور ما خارج شده است تا
 مهاجرین برگردند ؟ آیا بساط حکومت مزدور روسی جمع
 گردیده تا مردم ما نفس آرام بکشند و با اطمینان باینکه
 عامل فاجعه منتفی شده است و پس از این درگیریهای
 مسلحانه خاموش خواهد شد ، بنه خانه های ویرانشان
 برگردند ؟ مردم مؤمن ما که بعاظر آزادی کشور ،
 بیرون راندن قوای اجنبی و تشکیل حکومت اسلامی
 قیام نموده ، دشواریهای جانسکا و جانفرسای این جنگ
 طولانی را متتحمل گردیده ، در برابر محرومیتها ، آوارگیها ،
 جراحتها و شهادتها میبر نموده اند ، نمیدانم کدامیک از اهداف
 ملت مجاهده ما تحقیق یافته است تا از ادامه مقاومت منصرف
 گوئیده ، و سلاحش را بر زمین بگذارند ؟

بجای خطاب به مهاجرین باید نجیب قوای شوروی را مخاطب قرار داده باشان بگوید که تا کنی بمباریهای وحشیانه، تا کنی کشتارها و ویسرا نگریها، تا کنی اخراج مردم از خانه ها و کلبه هایشان؟ باید بخود ورقایش بگوید که تاکی در خدمت روسها، تاکی غلامی اجانب؟ تاکی دشمنی بنا ملت؟ بس است، از سر این مردم دست ابردارید.

مگر صحنه های غم انگیز مهاجرتهای دسته جمعی مردم، ضمیر این عناصر سنگدل را تکان نمی‌دهد، به کاروان های مهاجرین مظلوم نمینگرند؟! که خانه های شان در نتیجه بمباریهای وحشیانه ویران گردیده، مزارع شان به آتش کشیده می‌شود، همه چیز شان را از دست داده‌اند؛ ناچار به نکر سرپناهی، برای لقمه نافی، بسوی کشورهای همسایه هجرت می‌کنند. ولی قوای وحشی روس و مزدوران بی عاطفه اش، آنانرا آرام نگذاشته، با هلیکوپتر های گن شمپ و سو SU-25 تعقیب گردیده قدم بقدم بمبارد می‌شوند. کماندوهای سپست ناقز روسی در سر راه شان کمین می‌گیرند. اطفال، زنان و پیر مردان شان، با بی‌رحمی

و قساوی که تاریخ نظیر آنرا بخود ندیده است بطور دسته جمعی به قتل میرسند.

اما زمامداران کابل بهجای آنکه اشک بریزند، ترجم کنند، سلسله بمباری های وحشیانه قراءو دهات را متوقف بسازند، و از حملات ناجوانمردانه، بر کاروانهای بیدفاع مهاجرین جلو گیری کنند، با الفاظ اهانت آمیز به مهاجرین میگویند: مراجعه به ادارات کشور های خارجی و انتظار در دفاتر مامورین اجنبی بس است.

چه سفسطه‌یی مضجعکه آمیزی، چه کسی را میتوان با این حرف های بی محتوی فریب داد؟ چه کسی نمی‌داند که عامل این آوارگی ها چیست؟ و چه کسی ملتی ما را با همه عزت النفس، با استغنا و سر بلندی امش به دیگران محتاج ساخت!

عجیب تر اینکه نجیب چنگ جاری در افغانستان را چون چنگ میان دو گروه مسلمان شمرده به مصلح و آشتی میان آنان اصرار میورزد، در حالیکه چنگ مذکور میان قوای روسی که در پی اشغال کشور ما و تجمیل رژیم مزدورش بر ملت ما و میان ملت مجاهد ما که نمی خواهند به غلامی تن دهند و زیر

ساایه نظامی جهنمی کسونستی ، زندگی کند، ادامه دارد.
 اگردر پهلوی قوای مت加وز، کسی از الفانها بجنگد
 او یا اصول افغان نیست و ایمان ندارد؛ و یا فرد مجبور است
 که از خانه ، دفتر ، صنف و کارگاه به اسارت گرفته شده و
 به قطعات عسکری اعزام گردیده است، که در آنجا نیز
 اطراف او را ماین فرش کرده اند تا از فرارش جلوگیری
 نمایند ، در اثنای سوقيات جنگ و هجوم بر مناطق تحت
 کنترول مجاهدين، نیز او را در جلوشون روس قرار میدهند تا
 از طرف واد سوخت جنگ باشند و از طرف دیگر، از بیم
 قوای روسی و ضربه کلکوف تفتکداران پیر حمش، که در خط
 عقبی موضوع گیری میکنند ، ناچار بجلو بروند و آکرها
 به جنگ پردازد.

نمیدانم کجا این جنگ ، از چه رهگذری جنگ
 میان دو گروه مؤمن بحساب میآید که جنرال نجیب
 با استناد به آیات قرآنکریم ، در حالتیکه از تلفظش نیز
 هماجز است چه رسد بهم آن ، به آیات قرآن عظیم
 الشان استناد میکند ، در پی اثبات این ادعای میان تهی
 است، شکی نیست که یکطرف قضیه را ملت مؤمن ماتشكیل

داده است، ولی به من بگوئید کدام طرف دیگر قضیه مسماان

است، روسها یا حزب دیموکراتیک خلق افغانستان؟!

زعیم روسها، که فقط چندروز قبل، ماسورین دولتی و اعضای

حزب را در تاشکند تهدید کرد که باید در مراسم مذهبی

شرکت نکرد، باید با دین بهشت مقابله نمود و عقیده به خدا

را ریشه کن ماخت. و حزب خلق نیز که حزب کمونیست از

تیپ مسکو است و انکار از خدا و دین، الفبای مبارزه ای این

گروه ملحه را تشکیل بیلدهد.

آیا روسها مسلمان شده اند و یا حزب خلق هقیقدة

کمونیست را ترک گفته و در دیدگاهش تجدید نظر کرده

است؟ نمیدانم کدام یک از اینها مسلمان اند؟!

برادران مجاهد!

انقلاب اسلامی مسا در مرحله نهایت حساس و

مرلوقت سازی قرار دارد، که ایجاد میکند با احتیاط و

حفظ هوشیاری حرکت کنیم. توطه های دشمن مسکار را

شناسائی نموده در نطفه خنثی کنیم از ایجاد خوشبادری های

گمراه کننده و امیدواری های کاذب و سراب گونه جلوگیری

نماییم، نگذاریم در نتیجه مآلور های فریبند دشمن در صفوں

ملت مجاهد مانعطف در برابر دشمن و روحیه قناعت، بر راه حل های شکلی، مقطوعی و قلابی بوجود آید و بدین ترتیب آنچه را ای جنگ طولانی (۴۰ ماهه)، در نتیجه قربانیهای بی نظیر و بی سابقه کسب کرده ایم، مبادا، در آخرین لحظات پیروزی ببازیم. دشمن مکار پس از آنکه دریافت، سرکوبی این ملت در میدانهای جنگ ممکن نبوده، اعمال قوه، تشدید خشونتها و ازدیاد واحدهای جنگی، نتایج دلخواه شان تحویل نداده میخواهد از طریق دیگری وارد شود و آنچه را که نتوانست با جنگ حاصل کند، با مانورهای فریبندی سیاسی بدست آرد.

هر نهضت انقلابی در سیر مبارزه اش از چنین مراحل حساسی گذشته است، کسانیکه در این مرحله از مبارزه بعای تداوم آن به مازش متوصل گردیده، شکار عجله شده خوشباوری و امیدواری های کاذب او را فرا گرفته، همه قربانیهایش بهدر رفته است. مثال انقلاب ملت مسلمان العژائز پیش روی ماست که ملت تحت درفش اسلام یک میلیون شهید داد، ولی در پایان امر، در آخرین لحظات پیروزی بدلین توافق با حل سیاسی و تشکیل حکومت قومی وطنی،

نه تنها اهداف انقلاب تحقق نیافت، بلکه درنتیجه قدرت به کسانی انتقال یافت که هیچ رولی در انقلاب نداشتند. ما با در نظر داشت تجارب تلخ تاریخی، به تداوم، قاومت تا عحظه‌ی اصرار بیورزیم که نیزوهای متجاوز بلاقید و شرط از کشور ما خارج گردیده و بر فراز کشور مستقل و آزاد ما پرچم اسلام در اهتزاز آید.

صلح و آتش بس در اثنای حضور نظامی روس در افغانستان یک سازش ننگین و نابخشودنی بوده نه خداوند(ج) آنرا می بخشد و (۱، ۱) میلیون نه شهدای عزیز ما آنرا عفو می کنند.

ما برای حل بعران افغانستان و خاتمه جنگ و خونریزی و اهاده صلح و امن در این کشور راه حل پیشنهاد میکنیم که دارای مهند اساسی است :

- ۱- اخراج بلاقید و شرط، نوری و کامل قوای روسی.
- ۲- تشکیل حکومت مؤقتی که مورد تائید ملت مجاهد ما بوده، زمینه را برای انتخابات فراهم سازد.
- ۳- تأسیس حکومت اسلامی منتخب درنتیجه انتخابات آزاد.

در جهت تطبیق عملی این راه حل، تضمینات آتی را
مجاهدین فراهم خواهند کرد :

- ۱- عفو عمومی در مورد کسانیکه به آغوش ملت
بر میگردند، از گذشته ها اظهار ندامت نموده به جبران
آن میپردازند و اخلاص شانرا در عمل ثابت می کنند.
- ۲- عدم تعریض برآن قسمتی از قطعاتی نظامی روس
که کشور ما را ترک می نماید، در صورتیکه این خروج
طبق توافق قبلی باشد.
- ۳- پس از خروج قوای روسی کشور ما پایگاهی نظامی
ابر قدرت دیگری نخواهد بود.
- ۴- تأسیس حکومت اسلامی آزاد، مستقل و بی طرف
و غیر وابسته.
- ۵- معنی برای اعاده امنیت و صلح در کشور و در
مجموع منطقه.

کسانیکه این طرح را با ما نپذیرد، در صورت عدم
توافق با این طرح در برابر کسانی که بخواهند با اعمال قوه
و در نتیجه سازش و توطئه به عزاییم شوم خود برسند،
اعلان میکنیم که : در آن صورت شعار ماسکه فرد فرد

مجاهدین در همه افغانستان بطور مسلسل زمزمه خواهد کرد و در روشنائی آن به مبارزه مسلحانه شان تداوم خواهد بخشید اینها اند :

تا روس در کشور ما است - شمشیر برهنه برش ما است جنگ سپر ما است - جنگ هنر ما است ادامه جهاد مسلحانه - تا اخراج قوای بیگانه جنگ تا آزادی - صلاح هس از پیروزی چون روس بر آید - جنگ به سر آید - ما به چیزی کمتر از ایجاد حکومت اسلامی بدست مجاهدین، در افغانستان آزاد و مستقل راضی نخواهیم شد .

- تا زمان اخراج کامل، بلا قید و شرط و فوری قوای روس سلاح خود را بر زمین نخواهیم گذاشت .

- در اثنای حضور نظامی روس، توقف جنگ حتی برای یک لحظه محدود را نیز جرم تلقی نموده به شدت محکوم میکنیم ، تایک فرد قوای بیگانه در کشور ما وجود دارد . جنگ ما بدون توقف و تأخیر ادامه دارد .

بیایید درین روز تاریخی یک بار دیگری در برآ برخدا و ملت به این عهد تاریخی خود وفا کنیم و سکر آ تکرار

کنیم ، همه یکبار دیگری تعهد کنیم . من این تعهدات را تکرار میکنیم به پښتو و فارسی کسانیکه موافق اند که با خدای شان و در برابر ملت شان با این تعهد عمل کنند دست های خود را بلند خواهند کرد .

ما به چیزی کمتر از حکومت اسلامی در افغانستان آزاد و مستقل راضی نخواهیم شد .

«نخواهیم شد - حضار»

تا زمان اخراج کامل ، بلا قید و شرط و فوری قوای روس سلاح خود را بر زمین نخواهیم گذاشت .

«نخواهیم گذاشت - حضار»

در اثنای حضور نظامی روس توقف جنگ برای یک لحظه هم دودرا نیز جرم تلقی نموده ، به شدت محکوم میکنیم تا یک فرد قوای بیگانه در کشور ما وجود دارد ، جنگ ما بدون توقف ادامه دارد .

«ادامه دارد - حضار»

- باور داریم که انشاء الله تداوم جهاد مسلحانه ملت ما ، سر انجام نیروهای متقاوز را وادار خواهد کرد ، تا بدون قید و شرط از کشور ما خارج گردد .

ما نسبت به پیروزی محتوم جهاد اسلامی مات
مهمن خود کاملاً متیقینیم ، و در آن شک و شبھه نداریم
وضع جهاد که امسال پس از هشت سال و هشت ماه
بپر از هر سال دیگری بوده ،
وضع سنگر های مستحکم مجاهدین و عزم و اراده
راسخ آنار و ثبات و استقامت شان ما را نسبت به آینده
روشن مطمئن میسازد .

- شکست های مسلسل قوای روسی در میدان های
جنگ و تلفات روز افزون شان به ما اطمینان میدهد .
وضع پریشان حزب خلق و هرچم و مورال ضعیف تفنگداران
بی هدف دشمن گواهی میدهد که روسها چاره دیگری جز
اخراج قوایش از افغانستان نخواهد یافت .

روسها از اشغال افغانستان مایوس اند ، برای اولین
بار است که اعتراف میکنند ما به فکر ادامه ماندن قوای
خود در افغانستان نیستیم . روسها از اشغال افغانستان
مایوس اند و از ادامه جنگ خسته ؛ آنرا جهنم خود
می پنداشند . چنانچه نجیب گفت : جنگ جهنم است ،
جنگ دوزخ است ، و دوزخ جای گنهگاران است .

آری ! جنگ برای شما و همه کسانی که به نفع باطل می‌جنگند، جهنم است دوزخ است ولی مسلمان مجاهد که برای پیروزی و غلبه حق می‌جنگد، برای آزادی کشور خود می‌جنگد، معتقد است که :

جنت زیر سایه شمشیر هاست.

جنگ دوزخ شمامت، ولی جنگ وسیله رفتن مجاهد مؤمن به بهشت است.

جنت مجاهد زیر سایه شمشیرها است؛ ولی جنگ برای نجیب و حزب خلق و پرچمش دوزخ است.

الشاء الله ہا مردی و را دمردی ملت مجاهد ما به گریاچوی نیز خاطرة گلادستون صدراعظم وقت انگلستان را بیاد خواهد آورد که در جواب سؤالی مبنی بر اینکه چه دلیل وجود دارد که قوای انگلیسها همه دنیا را لفتح کرده؛ ولی قادر نشد چند قبیله بی سلاح افغانی را تسليم کنند و به القیاد و ادار بسازد.

از صدراعظم انگلیس در وقت پرسیده می‌شود که چه دلیل وجود دارد، قوای انگلیسها از مرکوبی چند قبیله بی سلاح افغانی عاجز شد، در حالیکه همه دنیا را فتح

کمرد ؟ در جواب میگوید :

در باره مردمی که جنت را از میله تنگ های شان
می نگرند چه میتوان گفت : و چه میتوان کرد ؟ !
امیدواریم کسه بالآخره روسها هم برای توجیه
شکست شان در افغانستان، جواب گلادمتوں صدر اعظم
انگلستان را تکرار کنند .

فردای پیروزی قریب است، ولی منتظر صبر و استقامت
ما تو است . فردای پیروزی قریب است ولی بشرطی
صبر و استقامت من و تو «ان موعدهم الصبح، الیس الصبح
بلقیب»

باورداریم که صبح پیروزی قریب است، مطمئنیم که خدای
شکور قربانی های بیدریغ سلت ما را حبط نخواهد کرد .
به امید فردای روشن ، به امید پیروزی اسلام .

اللول لولی هذا استغفر الله لی ولکم
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته !

ARIC

B

4.3832

HEK

2015

راه حل ما:

- ۱- اخراج بلاقید وشرط، فوری و کامل قوای روس
- ۲- تشکیل حکومت موقتی که موردنایید ملت مجاہ را برای انتخابات فراهم سازد ۰
- ۳- تاسیس حکومت اسلامی منتخب در نتیجه انتخابات آزاد ۰

ضمانتها:

- ۱- عفو عمومی در مورد کسانی که به آغوش ملت برمیگردند . از گذشته ها اظهار نداشت نموده به جبران آن پردازند و اخلاقی شان را در عمل ثابت کنند ۰
- ۲- عدم تعریض بر آن قسمتی از قطعات نظامی روس که کشور مارا ترک مینمایند، در صورتی که این خروج طبق توافق قبلی باشد ۰
- ۳- پس از خروج قوای روس کشور ما پایگاه نظامی ابرقدرت دیگری نخواهد بود ۰
- ۴- تاسیس حکومت آزاد، مستقل، بی طرف و اسلامی ۰
- ۵- سعی برای اعاده امنیت و صلح در کشور و منطقه ۰

حزب اسلامی افغانستان

جنگ تا آزادی
صلاح پس از پیروزی

ادامه جهاد مسلمانه

تا اخراج قوای بیگانه

چون روس بر آید

جنگ به سر آید

جنگ سپر ما است

جنگ هنر ما است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله و كفى و سلام على عباده الذين اصطفى
و بعد :

لَا عُوْذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ .

لَا لَا تَهْنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَمِ وَاللَّهُمَّ اَلَا عَلَوْنَ وَاللَّهُ
مَعَكُمْ وَلَنْ يَنْكِمْ اَعْمَالُكُمْ .

«صدق الله العظيم»

برادران مجاهد و مهاجر ، هموطنان هریز و برادران
الصار !

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته .

از روزیکه آفت کمولیزم بر کشور ما سایه افگنده
است ، تا حال که ۱۰۴ ماه از آن می گذرد ، ملت ما تعظة
آرامی را بخود ندیده است .

کمولیزم هیام خون و آتش بود !

کمولیزم مایه مرگ و ویرانی بود !

برهم سرخ کمولیزم ، همه این خونریزیها و ویرانگریها
را از ابتداء اعلام می کرد ، از همان روزیکه این هر چه نشک
و جنگ در کشور ما بهلهند گردید

در مدت هشت سال و هشت ماه گذشته، در هر ۴ دقیقه
یکنفر هموطن ما به شهادت رسیده است.

در هر ۴۵ ثانیه یکنفر از کشور هجرت کرده است؛
در هر ۱۲ دقیقه یکنفر به ملول های تاریک زندان
کشانده شده و مورد شکنجه و تعذیب قرار گرفته است.
سراسر کشور هرسبز و شاداب ما، امروز به ویرانه‌ی
در آمده است که و جب و جبش به خون شهداء سرخ است.
قریه‌ی وجود ندارد که شاهد خانه ویرانی نباشد
فamilی نمانده است که دارای شهید و زخمی و یتیم و
بیوه‌ای نبوده و به نحوی از اهباء ازاین جنگ مسلسل و
طولانی صدمه ندیده باشد.

کسامیلیکه از انقلاب سرخ صحبت می‌کردند !!
از سرکوبی نظام طبقاتی و اهیای حقوق کارگر و بزگر
 صحبت می‌کردند !!!

همینکه به کوچک قوای سرخ شوروی به قدرت
رسیدند، خانه کارگر و کلبه محقر بزگر را قبر او، قریه اش
را قبرستان او و جامه ژنده و ژولیده اش را کفن او
ساختند؛ و به مردم ما بجای نان، بم و باروت هدیه کردند.

و همین ها بودند که چون وسیله‌ی در دست نیروهای متجاوز و اجنبی قرار گرفتند.

در واقع، چنون کشور گشائی و توسعه طلبی روس باعث شد تا این فاجعه در دنیاک و خونین در کشور ما براه بیفتد. روسها بخاطر تحمیل گروه مزدور «خلق و پرچم» که ملت نمی‌پذیرفت، در امور داخلی ما تشیب نمود و چون ملت ما از اقیاد در برابر عوامل فرمایه روس اباه ورزید، و دست به سلاح برد، قوای متجاوز روسی به کشور ماهجوم آورده و این چنگ طولانی را باهث شدند.

آنچه مسلم است این چنگ بر مردم مظلوم ما تحمیل شده است.

متجاوز روسها و ادامه حضور نظامی اش در افغانستان شامل یگانه آخاز این چنگ و تداومش بوده است.

تا زمانیکه قوای روسی در افغانستان حضور دارد، هیچ چیزی نمیتواند جلو ادامه چنگ را سد کند،

و بود قوای روسی در کشور ما، چون شمشیر بر هند ایست ہر سر ملت ما که حیات، عزت و شرفش را تهدید نموده، آزادی اش را سلب می‌کشد، او را وادار می‌سازد تا

بخارط دفاع از حیات، عزت، شرف و آزادی خود به چنگ
متوصل شود

صرف بالخارج قوای روسی، سلسله چنگ، خوئریزیها
و ویرانگری ها درین کشور خاتمه مییابد.

اگر امروز قوای روسی از کشور ما خارج گردد،
فردای آن میلح و امن بدون تأخیر و در نگ، به کشور
ما بر می گردد.

ملت مسیون و آزادیخواه ما، کم در طول تاریخ
به غلامی و اسارت دیگران تسلیم نشده و نیروهای اجنبی
را در کشور خود تحمل نکرده، وجود قوای روسی را
در افغانستان، در هر صورت مترادف با ادامه چنگ از
طرف روسها میپندارد؛ هر چند میلیه تفک کوهاهیان
قوای اجنبی بسوی زمین خم باشد و بیرق های سپید میلح
بر لرا و کاهای شان پلند باشد.

اگر روس و اذلابش، خواهان حل قضیه افغانستان،
توقف خوئریزی ها و طرفدار میلح و امن در کشور ما و
مجموعه منطقه بساشند، باید قوای روسی، ایسدرنگ و
بلاتا خیه، بدون توصل و بهانه چویهای مضجعکه آمیز



1960

at the early end of the high tides

near the



موقف ما

و

جريانات اخير

حکمتیار

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

تا روس در کشور ما است
شمشیر برهنه بزرگ ما است

موقف ما

و

جريانات اخير

حکمتیار



مشخصات کتاب

نام کتاب : موقف ما و جریانات اخیر

سال نشر : ۱۳۶۰ جدی

تیراژ : ۱۰۰۰۰ جلد

ناشر : کمیسیون ارشاد فرهنگ
مدیریت تألیف و ترجمه

یاداشت !

متن سخنرانی برادر حکمتیار امیر حزب اسلامی
افغانستان که در کنفرانسی مهم و تاریخی ، در برابر
دهها هزار هموطنان مجاهد و مهاجر ، برادران
انصار و خبرنگاران کشور های خارجی ، بتاریخ
۱۸-۱۳۶۵ ، بمناسبت اعلام موقف حزب اسلامی
افغانستان در رابطه «آتش بس ! » و «آتشی ملی ! »
که از جانب روسها و حکومت مسذور کابل عنوان
گردیده در مقر جهاد پوهنتون واقع در غند حضرت
عمر فاروق «رض» اپرداد نمودند که با شور و شوق
القلابی و پشتیبانی بیدریخ هموطنان شهادت شمار
مان قرار گرفت ، مستقیماً از نوار پیاده شده است .